

تحلیل الگوی زیستی و مکان‌گزینی محوطه‌های عصر مفرغ دشت کوه‌دشت

فرشید حیدری

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

کمال‌الدین نیکنامی (نویسنده مسئول)

kniknami@ut.ac.ir

استاد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

بهمن فیروزمندی شیره جین

دانشیار باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۲)

چکیده

حوزه فرهنگی کوه‌دشت در غرب استان لرستان یا به عبارتی در حاشیه زاگرس مرکزی در فلات ایران واقع شده است. موقعیت جغرافیایی این خطه فرهنگی به گونه‌ای است که در میان چند حوزه فرهنگی-جغرافیایی کشورمان یعنی مناطق شمالی استان خوزستان، مناطق غربی استان ایلام و کرمانشاه قرار گرفته است. مطالعه محوطه‌های باستانی، بررسی و واکاوی مواد فرهنگی و نیز تحلیل الگوی استقرار با توجه به فهم و درک تغییر و تحولات آن‌ها در این ناحیه، می‌تواند دامنه آگاهی ما را از ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین تغییرات کمی و کیفی در دوران مفرغ منطقه بالا ببرد. روش تحقیق مقاله حاضر با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی باستان‌شناسی و همچنین تجزیه و تحلیل داده‌های باستان‌شناختی به کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی، برای دستیابی به الگوی استقرار ناحیه در بازه زمانی مورد مطالعه، پی‌ریزی شده است. بررسی‌های باستان‌شناختی مشخص کرد که دشت کوه‌دشت از دوره پیش از تاریخ تا دوره اسلامی متأخر مورد استفاده جوامع انسانی بوده و این بررسی‌ها مشخص نمود که از دوره مفرغ قدیم ۳ محوطه در دوره مفرغ میانی ۴ محوطه و در دوره مفرغ متأخر ۱۲ محوطه وجود داشته دارد. در این تحلیل نشان داده شد که دوری و نزدیکی به آب، خاک مناسب، نزدیکی به راه‌ها از دلایل شکل‌گیری استقرارگاه‌ها در این دشت است. وابستگی به سه ویژگی مهم یعنی آب، خاک مناسب برای کشاورزی و دامپروری و راه‌های ارتباطی از مهم‌ترین دلایلی است که الگوهای استقرار این منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: کوه‌دشت، مفرغ، الگوی استقرار، محوطه

مقدمه

فهم و درک تغییر و تحولات آن‌ها در این ناحیه، می‌تواند دامنه آگاهی ما را از ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین تغییرات کمی و کیفی در دوران انتقال از مفرغ به آهن، افزایش دهد. نحوه پراکنش استقرارگاه‌ها، عوامل مؤثر در الگوی استقرارگاه‌ها و تغییرات نرخ جمعیتی از پرسش‌هایی است که این پژوهش، با بررسی‌های باستان‌شناسی و مطالعه جغرافیای طبیعی این ناحیه، در تکاپوی پاسخ‌گویی به آن‌هاست. پتانسیل‌های طبیعی و جغرافیایی منطقه و همچنین داده‌های حاصل از بررسی‌های باستان‌شناختی نشان از آن دارد که این خطه فرهنگی در اکثر دوران مورد استفاده جوامع انسانی بوده است. روش تحقیق مقاله حاضر با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی باستان‌شناسی و همچنین تجزیه و تحلیل داده‌های باستان‌شناختی به کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی، برای دستیابی به الگوی استقراری و جمعیتی ناحیه، در بازه زمانی مورد مطالعه پی‌ریزی شده است.

مطالعه مبانی نظری در الگوی استقرار

تحلیل الگوی استقرار یکی از موضوعات مطرح در باستان‌شناسی است که به جای تمرکز بر روی یک مکان باستانی خاص به بررسی منطقه‌ای می‌پردازد. در الگوی استقرار بیشترین توجه به جغرافیای زیستی و رابطه انسان در مکان‌گزینی و زیست در پهنه جغرافیایی معطوف می‌شود که با توجه به تفاوت وضعیت جغرافیایی هر منطقه نحوه پراکنش استقرارها نیز با هم متفاوت است. (Kowalewski, 2008: 227) در دیدگاه

حوزه فرهنگی کوه‌دشت در غرب استان لرستان یا به عبارتی در حاشیه زاگرس مرکزیدر فلات ایران واقع شده است بخش کوه‌دشت جنوبی در قسمت جنوب شهرستان کوه‌دشت قرار دارد، این دشت یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های کشور از لحاظ وسعت بوده که از طرف جنوب به دشت معمولان و از طرف شمال به شهرهای کرمانشاه و هرسین و از طرف شرق به شهرستان خرم‌آباد و از غرب به شهرستان دره شهر و پلدختر محدود می‌شود. موقعیت جغرافیایی این خطه فرهنگی به گونه‌ای است که در میان چند حوزه فرهنگی-جغرافیایی کشورمان یعنی مناطق شمالی استان خوزستان، مناطق غربی استان ایلام و کرمانشاه قرار گرفته است. (نقشه ۱) از این رو اطلاعات باستان‌شناسی این منطقه برای درک بهتر روابط فرهنگ‌های سه حوزه غرب فلات ایران، حاشیه شمال خوزستان و لرستان فرهنگی بسیار ضروری به نظر می‌رسد. اطلاعات باستان‌شناسی این منطقه، می‌تواند آگاهی‌های ارزش‌مندی در جهت روشن شدن تغییر و تحولات باستان‌شناختی و همچنین تعاملات حوزه‌های فرهنگی-جغرافیایی مناطق فوق‌الذکر در اختیار قرار دهد. باید اذعان داشت با توجه به اهمیت و جایگاه رفیع این ناحیه، در عصر مفرغ و متعاقب آن در عصر آهن، ضرورت شناخت نرخ تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی منطقه در این بازه زمانی دوچندان می‌گردد. مطالعه محوطه‌های باستانی، بررسی و واکاوی مواد فرهنگی و نیز تحلیل الگوی استقراری با توجه به

باستان‌شناسی زمین‌سیما و نگاه به منظر در الگوی استقرار نیز به تعامل انسان با محیط پرداخته و جوامع انسانی و جغرافیای طبیعی را از عوامل شکل‌گیری چشم‌انداز معرفی می‌کند. (Johnson, 2007:3) در این تحلیل مسافت یا زمان رفت و آمد بین استقرار و منابع طبیعی در استفاده شدید یا ضعیف از آن منابع متغیر مهمی در موقعیت مکان‌های باستانی و اقتصاد معیشتی ساکنان است. (علیزاده، ۱۳۸۳، ص ۱۹۶). در مبانی آماری و در بررسی داده‌ها از نرم‌افزار GIS به عنوان ابزار توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل داده‌های مکانی استفاده شده تا باستان‌شناسان را در درک درست فضای مورد نظر یاری می‌کند، تحلیل PCA در الگوی استقرار و تحلیل خوشه‌ای روشی برای ساده‌سازی و پیدا کردن شباهت میان داده‌هاست تا از این طریق بتوان با پردازش داده‌ها در تحلیل مکان مرکزی از آن استفاده نمود (نیکنامی، ۱۳۹۰).

عصر مفرغ در زاگرس مرکزی

دوره مفرغ فراتر از پدیدارشدن مرحله‌ای نوین در فناوری است؛ تولید فلز، ابزارهای تولید و ابزارهای تخریب انسان را کارآمدتر کرد؛ تمامی فن‌آوری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر حرکت چرخشی ریشه در این دوران دارد. چرخ سفالگری، طرح ریزی کشت و کار و استفاده از سوراخ‌کن و کج‌بیل در این دوره پدیدار شده است. جهش تبدیل جسمی به جسم دیگر اضافه بر کارآمد کردن ذوب فلز، پیش‌درآمد کل پی‌ریزی تغییرات شیمیایی بوده است. دستاورد اقتصادی استفاده

قاعده مند از مس، در این زمان فراتر از مفرغ، در فناوری راه‌اندازی سازمان‌تبادلات با مناطق دوردست را موجب شده است. تنها با تشخیص استفاده برای ابزارهای ضروری و اسلحه بود که جوامع انسانی خود اتکایی را ترک کرده و به تبادلات خارجی برای نیازهای ضروری شان وابسته شدند. طی استفاده قاعده مند از مس و مفرغ بود که جمعیت‌هایی با تخصص و بصورت تمام وقت، کسانیکه خودشان غذایشان را تولید نمی‌کردند، بلکه برای معاش وابسته به دیگران بودند پدیدار شدند. در نهایت بطور جداگانه پرسنلی تمام وقت بوجود آمد (Smith, T. A. 1998). جوامع دارای خصوصیات شرح داده شده معرف دوره مفرغ هستند. (هنریکسون، ۱۳۸۱، ص ۸۶) فرهنگ‌های دوران مفرغ ایران از نظر تاریخی بطور نسبی اوایل هزاره سوم تا اواسط هزاره دوم ق.م. یعنی یک دوره‌ی حدوداً ۱۵۰۰ ساله را در بر می‌گیرد؛ شروع دوران مفرغ به نوعی مصادف است با دوره آغاز شهرنشینی؛ دوران آغاز شهرنشینی (... (Muscarella 1974) همانگونه که از نام آن برمی‌آید دربرگیرنده دورانی است که جوامع باستانی زندگی در روستاها را پشت سر گذاشته و بتدریج در مراکز بزرگ‌تر و پرجمعیت (شهر) ساکن شده‌اند. ترک روستانشینی و آغاز شهرنشینی یکی از تحولات عمده و جریان ساز بشری بوده است که به درستی «انقلاب شهرنشینی» نامیده می‌شود. در این دوران فراوانی محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی بطور فزاینده مبادلات بازرگانی را افزایش داد. افزون بر ساختمان منازل

سال ۱۹۳۶ اورل اشتاین در پژوهشی گسترده در منطقه کوهدشت، طرهان و روم شگان، محوطه و یادمان‌های باستانی شاخص و گویایی از جمله قلعه گوری، چپازرگران، چپاسیاه، چپا آهو، چپا سرخ، باغ زال، مقبره داودرش و کانال‌های تنگ گراز را مورد بازدید قرار داد (Stein, 1940). محمود آرام بازرس اداره کل باستان شناسی ایران، در معیت یورگن ملدگارد^۳ در سال ۱۹۶۲ میلادی، مسیر این منطقه را مورد بازدید مقدماتی قرار داد و از کوهدشت، غار قرعلیوند (غار بتخانه)، قبرستان سرخ دم و تپه ابوالوفا و دیگر نقاط باستانی بازدید به عمل آورد. در سال‌های ۶۴- ۱۹۶۳ ملدگارد، مورتسن و تران دشت‌های بلوران، طرهان و کوهدشت را مجدداً بررسی کردند (Meldgard, mortensen and Thrane 1964, Thrane, 1970). در سال ۱۹۶۳ م، کلرگاف مید مجدداً این منطقه را بررسی کرد که در نتیجه آن نمونه‌های متعددی سفال را از تپه‌های چپا زرگران، چپا پهن، جمع‌آوری و آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. (Goff, 1971:38). در سال ۱۹۶۹ م، چارلز مک برنی از دانشگاه کمبریج^۴ در کوه سرسورن ناحیه کوهدشت به شناسایی و بررسی محوطه‌های باستانی پرداخت. وی در چهار محوطه نومکشوفه میرملاس، بردا سپید و هومیان ۱ و ۲ در ارتفاعات کوهدشت گمانه‌زنی نمود و نتایج را در چند خبرنامه کوتاه چاپ و منتشر کرد (Burney, 1970: 1969). در سال ۱۳۶۴ نصرت‌الله معتمدی،

مسکونی، ساختمان‌های بزرگ که عمدتاً مراکز مذهبی بودند بنا شدند و در پیرامون آنها مراکز تجاری و دادوستد ایجاد شد. بیشترین آثار و بقایای این تحول عمده در منطقه بین‌النهرین کشف شده است. به همین دلیل این منطقه مرکز و خاستگاه عمده تحول شهرنشینی در منطقه آسیای غربی بشمار می‌آید. در فلات ایران آثار و بقایای آغاز شهرنشینی بیشتر از هر منطقه دیگری در جنوب غرب ایران (خوزستان) کشف شده است. به غیر از توانمندیهای زیست محیطی خوزستان که مهم‌ترین عامل در پویایی فرهنگ‌های پیش از تاریخ این منطقه به شمار می‌آید، همجواری این منطقه با کانون اصلی تحول شهرنشینی (بین‌النهرین) شاید عامل دیگری بوده است که این منطقه را زودتر از دیگر مناطق ایران در سیر پیشرفت شهرنشینی قرار داده است...» (طلایی، ۱۳۷۴، صص ۳۳-۳۴).

پیشینه پژوهشهای باستان شناسی منطقه

پیشینه فعالیت‌های باستان شناسی توسط گروه‌های خارجی و ایرانی در شهرستان کوهدشت، خود نشانگر اهمیت این ناحیه در مطالعات باستان شناسی است. در سال ۱۹۳۴ میلادی اریک اشمیت^۱ دره کوهدشت را از طریق هوا بررسی کرد (Schmidt, 1940). و در بررسی‌های هیئت هلمز^۲ تعدادی تپه، مجموعه بناهای سنگی و چندین گورستان بر روی نقشه باستان شناسی مشخص گردید (Schmidt&etal, 1989). در

³ Jorgen Meldgaard

⁴ Cambridge

¹ Eric Schmidt

² Helms

به دست آمده از بررسی، معلوم گردید، آثار شناسایی شده متعلق به ادوار پیش از تاریخ تا دوره اسلامی هستند، در عصر مفرغ کلا ۱۵ محوطه شناسایی گردیده که از این تعداد ۳ محوطه مربوط به عصر مفرغ قدیم هستند، ۴ محوطه مربوط به عصر مفرغ میانی است و ۱۲ محوطه مربوط به عصر مفرغ جدید است. بعضی از محوطه‌ها هم در عصر مفرغ میانی و هم جدید به صورت ممتد مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

تحلیل الگوی جمعیتی دشت کوه‌دشت در دوره های مختلف عصر مفرغ دوره مفرغ قدیم

در این دوره در دشت کوه‌دشت ۳ محوطه باخ زال جنوبی، چیا پهن، توبره ریز در این دشت شکل گرفته و قسمت‌های زیادی از دشت کوه‌دشت تقریباً خالی از سکنه بوده است، با توجه به وسعت این محوطه‌ها باخ زال جنوبی با ۱۲۰۰۰ متر مربع چیا پهن ۹ هکتار و توبره ریز با وسعت ۸۰۰۰ متر مربع نشان می‌دهد که این محوطه‌ها وسعت زیادی داشته‌اند و جمعیت به نسبت دوره پیش از تاریخ زیادی را در خود گنجانده بوده‌اند، این سه محوطه در مجموع با وسعت نزدیک به ۱۱ هکتار مساحت داشته‌اند. (نقشه ۲)

دوره مفرغ میانی

در این دوره به نظر می‌آید که جمعیت یکجانشین افزایش یافته و تعداد محوطه‌های دوره مفرغ میانی

قلعه کهزاد را کاوش کرد. در سال ۱۳۷۷ نصرت معتمدی به کاوش در سرخ‌دم لکی پرداخت و موفق گردید که آثار معماری مربوط به اواسط قرن هفتم پیش از میلاد را از زیر خاک آزاد سازد (معتمدی، ۱۳۷۹). در سال ۱۳۷۹ احمد پرویز، موفق به ثبت ۵۰ اثر باستانی در شهرستان کوه‌دشت گردید (مرکز اسناد لرستان). در سال ۱۳۸۰ تا ۸۶ خانم آرمان شیشه‌گر به کاوش در سرخ‌دم لکی پرداخت. محوطه سرخ‌دم لری در شرق شهرستان کوه‌دشت و در محدوده روستای خوشناموند در سال ۱۳۸۸ توسط کامیار عبدی پس از ۷۰ سال مورد کاوش قرار گرفت. (عبدی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶).

نتایج حاصل از بررسی‌های باستان‌شناختی

بررسی باستان‌شناسی دشت کوه‌دشت، با هدف شناسایی و ثبت محوطه‌های باستانی و آثار تاریخی آن و تهیه نقشه باستان‌شناسی شهرستان با توجه غنای فرهنگی و زیست محیطی و همچنین مطالعه ی اُلگوهای استقرار دوره‌های مختلف محوطه-ها انجام شد. ابتدا قبل از شروع بررسی میدانی، منابع باستان‌شناسی موجود در مورد منطقه مطالعه و سپس با تهیه نقشه ۱:۵۰۰۰۰ از منطقه وضعیت محیطی و جغرافیایی منطقه مورد بررسی قرار گرفت. حاصل این بررسی‌های میدانی، شناسایی بیش از ۷۰ محوطه ی باستانی در این بخش بود که شامل تپه‌ها، محوطه‌ها، قلعه‌ها و آثار و بناهای باستانی می‌شوند. با توجه به مطالعه بر روی داده‌های فرهنگی به ویژه داده‌های سفالی

مفرغ میانی به دوره مفرغ جدید داشته اند و ۹ محوطه دیگر در دوره مفرغ جدید شکل گرفته اند. برای تخمین جمعیت این دوره دشت کوهدشت ابتدا به جمع میزان مساحت مورد اشتغال ساکنین دوره مفرغ جدید دشت کوهدشت پرداخته میشود که محوطه وربورک با ۴۸۰۰ مترمربع مساحت، جو دیمه شمالی با ۴۰۰۰ متر مربع، تپه قلاته ۳۰۰۰ مترمربع، محوطه قبرستان ۱۷۰۰ متر مربع، دره چپی ۱۸۰۰ متر مربع، چم چغا ۶۰۰۰ متر مربع، کنی جونی جنوبی ۷۰۰۰ متر مربع، قور بچونه غربی ۷۵۰۰ متر مربع، سرخ دم لری ۵۸۰۰ متر مربع، حس بکی با ۳۶۰۰ متر مربع، گل زرد عبدولی با ۶۵۰۰ متر مربع و محوطه گورستان دالاب با ۶ هکتار مساحت در مجموع کلا در دوره مفرغ جدید ۱۰۸ هکتار مساحت را در بر داشته اند که باز هم به مانند دوره قبلی افزایش چشمگیری در میزان جمعیت دشت مشاهده میشود و با توجه به افزایش تعداد محوطه ها افزایش نسبی در جمعیت نیز دیده می شود. (نقشه ۴)

تحلیل الگوی استقراری دشت کوهدشت بر اساس شاخصه های زیست محیطی

برای تفسیر و تحلیل الگوی استقراری محوطه های باستانی دشت کوهدشت چندین متغیر برای ارزیابی وضعیت و موقعیت استقرارها مدنظر قرار گیرد. باید اذعان داشت متغیرهای که در رابطه با مکان گزینی استقرارها در دوران گذشته مهم به نظر می آیند، در روند مطالعاتی کنونی ما بر روی این استقرارها نیز موثرند. گروه اول این متغیرها،

به ۴ محوطه رسیده است، این محوطه ها عبارتند از: گورستان دالاب، گل زرد عبدولی، حس بکی و سرخ دم لری که در دوره مفرغ میانی مسکونی بوده اند. محوطه سرخ دم لری محوطه ای مهم و شاید به جرات گفت مرکزی که نقشی مهم در این دوره در دشت کوهدشت را داشته است در قسمت جنوب غربی دشت کوهدشت قرار داشته است و با وسعت ۵۸۰۰ متر مربع و دیگر محوطه ها حس بکی با ۳۶۰۰ متر مربع، گل زرد عبدولی با ۶۵۰۰ متر مربع و محوطه گورستان دالاب با ۵ هکتار مساحت نشان از این دارد که در دوره مفرغ میانی همانطور که تعداد محوطه ها بیشتر شده است وسعت محوطه ها به نسبت دوره قبلی کوچکتر شده است. در این دوره دشت کوهدشت در مجموع نزدیک به ۷ هکتار مساحت داشته اند. (نقشه ۳)

مفرغ جدید

جمعیت دشت کوهدشت در این دوره به نسبت مرحله قبلی افزایش چشمگیری داشته است. تعداد محوطه ها در دوره مفرغ جدید به ۱۲ محوطه افزایش پیدا کرده است. بیشتر محوطه های این دوره بین کمتر از نیم تا یک هکتار هستند و فقط محوطه دالاب با وسعتی نزدیک به ۵ هکتار تنها محوطه بزرگ این دوره دشت کوهدشت بوده است. در این دوره محوطه ها بیشتر شده ولی اندازه محوطه ها به نسبت دوره های قبلی کوچکتر شده است. در این دوره از تعداد ۱۲ محوطه مورد استفاده سه محوطه دارای تداوم استقرار از دوره

محوطه‌های استقراری وجود دارد، به گونه‌ای در مواقعی شیوه معیشتی با توجه به این شاخص دستخوش تغییر می‌گردد. محوطه‌های شناسایی شده در بازه زمانی مورد همگی در کد ارتفاعی بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ متری از سطح دریا قرار دارند. (نقشه ۲-۳-۴)

۳- شیب و جهت آن: دشت کوهدشت از نظر شیب به صورت یک دشت پهن است که به صورت مسطح و باز میباشد که در حاشیه‌های آن در کناره‌های کوه به صورت تپه ماهوری است و این دشت در دور تا دور آن کوه قرار دارد که به صورت یک دشت میان کوهی گسترده در آمده است. این دشت از نظر شیب تقریباً دارای شیب زیادی نبوده و از قسمت غربی تا شرقی ترین نقطه این دشت دارای شیب تندی نبوده و فقط قسمت ابتدای تنگه‌ها کمی بالاتر از دیگر قسمت‌های دشت است در پژوهش صورت گرفته مشخص گردید با توجه به نوع اقتصاد معیشتی آنها که کشاورز و دامپرور بوده اند این محوطه‌ها در قسمت‌های میانی و حاشیه‌ای دشت و در میان زمین‌های قابل کشت و قسمت‌های دارای شیب کم ساخته شده‌اند. در این مطالعه مشخص گردید که از تعداد ۱۵ محوطه مذکور تعداد ۸ محوطه در زمین‌های صاف ساخته شده است و تعداد ۷ محوطه در زمین‌های دارای شیب کم و تپه ماهورها و کنار کوهها ساخته شده است. (نقشه ۵-۶-۷)

۴- پوشش گیاهی: پوشش گیاهی منطقه یکی از عوامل مهم و تاثیر گذار برای انتخاب آن به عنوان

شامل متغیرهای محیطی هستند که در منظر جغرافیایی این محوطه‌ها نقش مهمی دارند و عبارتند از: فاصله از رودخانه‌ها، ارتفاع از سطح دریا، کاربری اراضی و پوشش گیاهی. دسته دیگر شامل متغیرهای هستند که از دیدگاه باستانشناختی محوطه‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند که شامل فاصله از راهها و روستاها و در نهایت وسعت محوطه‌ها است.

۱- فاصله از منابع آب: آب همیشه مهمترین نقش در به وجود آمدن محوطه‌ها را به عهده داشته است و شاخص مهمی برای تحلیل استقراری به حساب می‌آید. قرارگیری محوطه‌ها در کنار رودهای دایم و فصلی و همچنین چشمه‌های دائمی می‌تواند الگوی سکونت استقراری منطقه را روشن سازد. البته با توجه به موقعیت دشت کوهدشت و قرارگیری در منطقه‌ای تقریباً نیمه خشک یکی از منابع مهم تامین آب رودخانه‌ها و چشمه‌ها و قنات بوده است که نقشی مهم در تامین آب محوطه‌ها داشته است. در فاصله بین ۲۵۰ متری رودخانه ۶ محوطه، در فاصله تا ۵۰۰ متری ۶ محوطه، در فاصله بیشتر از ۱۰۰۰ متری ۳ محوطه قرار گرفته است. (نمودار ۱)

۲- ارتفاع محوطه‌ها از سطح دریا: ارتفاع محوطه‌ها نسبت به سطح آبهای آزاد یکی از شاخصه‌های مهم می‌باشد که معمولاً محوطه‌های در رقوم ارتفاعی خیلی بالا و یا کمترین ارتفاع ساخته نمی‌شده‌اند زیرا که برای زندگی مناسب نبودند و ارتباط تنگاتنگی میان میزان بارش، نوع و میزان پوشش گیاهی و جانوری با ارتفاع از سطح دریا

لری و چند محوطه بزرگ دیگر باقی محوطه ها کمتر از ۱ هکتار مساحت داشته اند و فقر آثاری سطحی و نبود معماری شاخص و خوب این نظریه که ساکنین بیشتر دامدار و کوچ نشین بوده اند را محتمل تر می سازد. با توجه به اندازه محوطه ها و اینکه اکثر محوطه ها تقریباً دارای اندازه کوچکی هستند و وجود تعداد کمی محوطه بالای ۵ هکتار میتوان گفت که این محوطه ها بیشتر محوطه های کوچ نشینی هستند که دارای استقرارهای دائمی نبود و مربوط به مردمان با شیوه اقتصاد معیشتی دامداری و کشاورزی فصلی بوده اند. با استفاده از نقشه های سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS و موقعیت و مکان یابی محوطه ها مشخص گردید که محوطه های دوره های مختلف در این منطقه پخش گردیده و شاخصه خاصی برای پراکنش در این حوزه مکانی وجود ندارد. همچنین میتوان گفت الگوی معیشتی دام داری و کشاورزی در منطقه و نیاز مبرم آن ها به منابع آبی، نحوه استقرار آن ها نسبت به رودخانه های فصلی و چشمه ها را مدیریت می کرده است. با مطالعه کدهای ارتفاعی محوطه های استقرار چنین برداشت که ساکنین محوطه ها در کار کشاورزی و چرای دام دستی داشته و به هر دو نوع معیشت اشتغال داشته اند، زیرا این کد ارتفاعی بهترین موقعیت برای کشاورزی دیم و چراگاه ها را فراهم ساخته است. با وجود خاک حاصلخیز در دشت کوهدشت و هموار در قسمت های میانی دشت کوهدشت که به صورت زمین های هموار و صاف هستند ولی اکثر محوطه ها در قسمت های حاشیه

محیط زیست و برپایی استقرارها بوده و هست. همواره مناطق با استعداد از لحاظ پوشش گیاهی، به عنوان محل استقرارگاه ها انتخاب شده اند و هر زمان با اضمحال پوشش گیاهی و چراگاه ها روبرو شده، دچار فروپاشی استقرارها می شدند که این عامل در دوره های مورد مطالعه پررنگ تر به نظر میرسد. دشت کوهدشت به لحاظ پوشش گیاهی منطقه‌ی مستعدی برای اقوام کوچ نشین و چرای دام های آن ها بوده است. پارامترهای مشخص شده در پایگاه داده‌ها در این منطقه فرهنگی عبارتند از: زراعت دیم، جنگل نیمه انبوه، جنگل تنک، مراتع متراکم، مراتع کم تراکم. تحلیل های آماری نشان می دهد از تعداد ۱۵ محوطه مورد مطالعه ۲ محوطه در زمین با پوشش جنگلی تنک، ۸ محوطه در زمین هایی با پوشش گیاهی بالا و مراتع متراکم و ۵ محوطه در زمین با پوشش گیاهی و قابل کشاورزی ساخته شده اند. (نمودار ۲)

تحلیل و نتیجه گیری :

در دشت کوهدشت دوره مفرغ قدیم از لحاظ میزان جمعیت تقریباً با دوره مفرغ میانی هم اندازه بوده ولی در دوره مفرغ جدید شاهد هجوم جمعیت زیادی به دشت کوهدشت هستیم که این مسئله رو مسائل زیست محیطی و مطلوب بودن این دشت برای زندگی باعث آن شده است. وسعت به نسبت کم محوطه های دشت کوهدشت این فرضیه را محتمل ساخت که ساکنین دشت کوهدشت بیشتر مردمان دامدار و کشاورزان فصلی بوده اند که با وجود چند محوطه مهم و مرکزی همانند سرخ دم

ارتفاعی ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ قرار دارند، که نشان می‌دهد که ساکنین محوطه‌ها در کار کشاورزی و چرای دام دستی داشته و به هر دو نوع معیشت اشتغال داشته‌اند، زیرا این کد ارتفاعی بهترین موقعیت برای کشاورزی دیم و چراگاه‌ها را فراهم ساخته است. این آمار نشان می‌دهد در تمامی دوره‌ها و متعاقب آن دوره‌های بعد، بیشتر توجه ساکنین معطوف به زمین‌های میان‌کوهی به جهت زراعت و چرای دام‌هایشان بوده است که گواهی بر اقتصاد معیشتی کشاورزی و دام‌داری ساکنین در فصول مختلف سال بوده است. هم‌چنین وسعت محوطه‌ها گویایی این مطلب است که، محوطه‌ها از لحاظ کیفیت نیز دستخوش تغییرات زیادی نمی‌شوند و متغیرهای کیفی نیز از شاخص‌های یکسانی برخوردارند. وسعت نسبتاً کم محوطه‌ها و کمبود، ضعف و فقدان بعضی داده‌های سطحی آن‌ها مانند معماری، می‌تواند بازگوکننده این فرض باشد که بیشتر محوطه‌ها، محوطه‌های استقرار موقت و فصلی بوده که احتمالاً مربوط به قبایل کوچ‌رو در این منطقه بیلاقی بوده است، هر چند افزایش محوطه‌های استقراری در این دوران از اهمیت بیشتر این منطقه نسبت به دوره‌های قبل خبر می‌دهد.

ای ساخته شده‌اند که به صورت زمین‌های ناهموار و به صورت زمین‌هایی هستند که دارای پستی بلندی هستند و تقریباً در نزدیکی‌های دامنه‌های کوه‌های گرداگرد دشت ساخته شده‌اند که این نتیجه حاصل می‌گردد که اکثر مردمان این دشت در دوره‌های مختلف به شغل دامداری پرداخته‌اند و کشاورزی رونق کمتری داشته است. در مطالعات صورت گرفته نسبت به فاصله محوطه‌ها از رودها و چشمه‌ها مشخص گردید، در کنار یا فاصله کمی از منابع آب قرار دارند و و این نشان از تاثیر مستقیم منابع آبی در شکل‌گیری محوطه‌های منطقه را نشان می‌دهد. می‌توان چنین استنباط کرد که بیشتر محوطه‌ها در فاصله زیر ۱۰۰۰ متر از رودها قرار داشته‌اند. با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته مشخص شد، سهم عمده‌ای از محوطه‌ها در کنار رودهای فصلی بوده که به گونه‌ای نشان از استقرار موقت آن‌ها دارد و در بازه زمانی مطالعاتی، تغییرات آماری محسوسی در فاصله‌ی آن‌ها از رودها دیده نمی‌شود. هم‌چنین می‌توان گفت الگوی معیشتی دام‌داری و کشاورزی در منطقه و نیاز مبرم آن‌ها به منابع آبی، نحوه‌ی استقرار آن‌ها نسبت به رودخانه‌ها را مدیریت می‌کرده است. با مطالعه کدهای ارتفاعی محوطه‌های استقراری چنین برداشت می‌شود که، ۱۰۰٪ درصد محوطه‌ها در بین کد

- Kowalewski, Stephen A, 2008, Regional Settlement Pattern Studies, Journal Archaeol Res, Vol.16, pp: 225-28
- and Shirak plains, Armenia: Typological considerations, in ancient civilizations from Scythia to Siberia, vol 5:1-25.
- Mortensen, Peder, Meldgaard, Jorgen & Thrane, Henrik, 1964, "Excavations at Tepe Guran, Luristan, preliminary report of the Danish archaeological expedition to Iran 1963", Acta Archaeologica, vol.34, pp.97-133.
- Muscarella, O. W. 1974, The Iron age at Dinkha Tepe, Iran. Metropolitan Museum journal 9: 35_90.
- Smith, T. A. 1998, Late Bronze & early Iron Age fortresses of the Ararat
- Stein, S.O. 1940, Old routs in western Iran, New York, Green Wood Press.
- Thrane, Henrik, 1970, " Tepe Guran & the Luristan Bronzes", Archaeology, vol.23, num/1, pp.27-35.

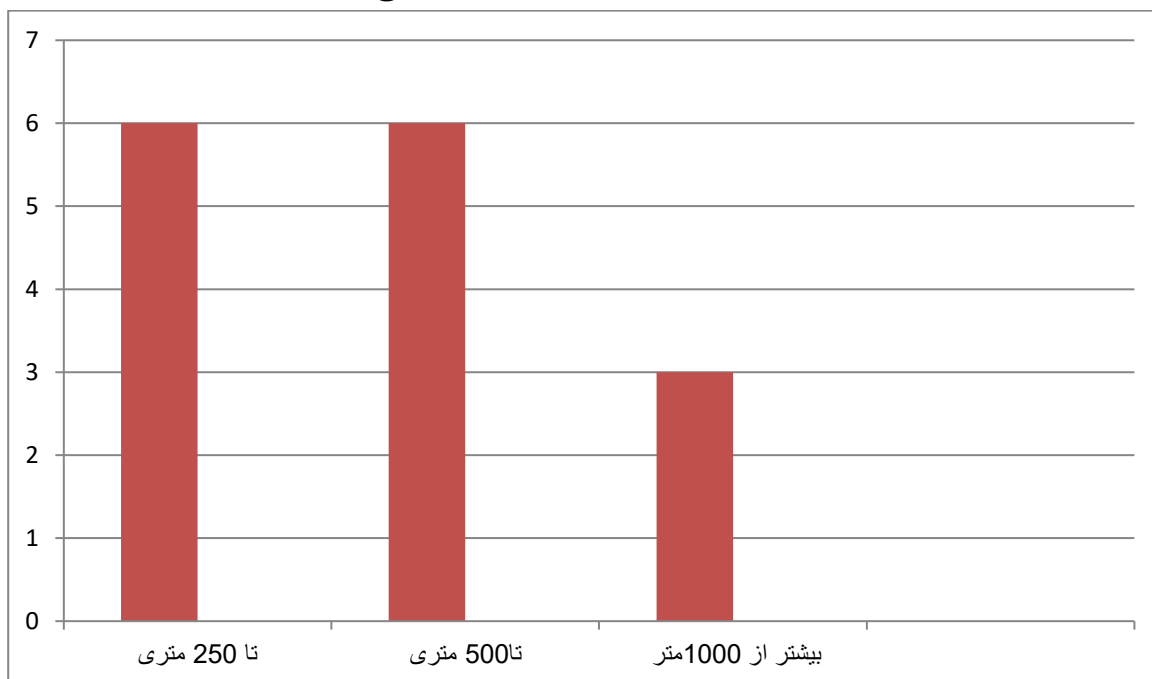
منابع

- طلائی، حسن، باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد، انتشارات سمت، ج ۱، ۱۳۷۴
- عبدی، کامیار ۱۳۸۸، "کاوش محوطه سرخ دم لری"، مرکز اسناد، سازمان میراث فرهنگی استان لرستان، منتشر نشده
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۳، تئوری و عمل در باستان شناسی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، چاپ دوم.
- نیکنامی، کمال الدین، ۱۳۹۰، روش های پیشرفته آماری در تحلیل داده های باستان شناختی، تهران، انتشارات سمت.
- هنریکسون، رابرت، سی ۱۳۸۱ " گاهنگاری غرب مرکز ایران در حدود III ۲۶۰۰
- گودین ۱۴۰۰ ق م"، باستان شناسی غرب ایران، به کوشش فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران، سمت
- Goff, Clare, 1971, Lurestan before Iron age : Iron. Vol.IX .PP.131-153.

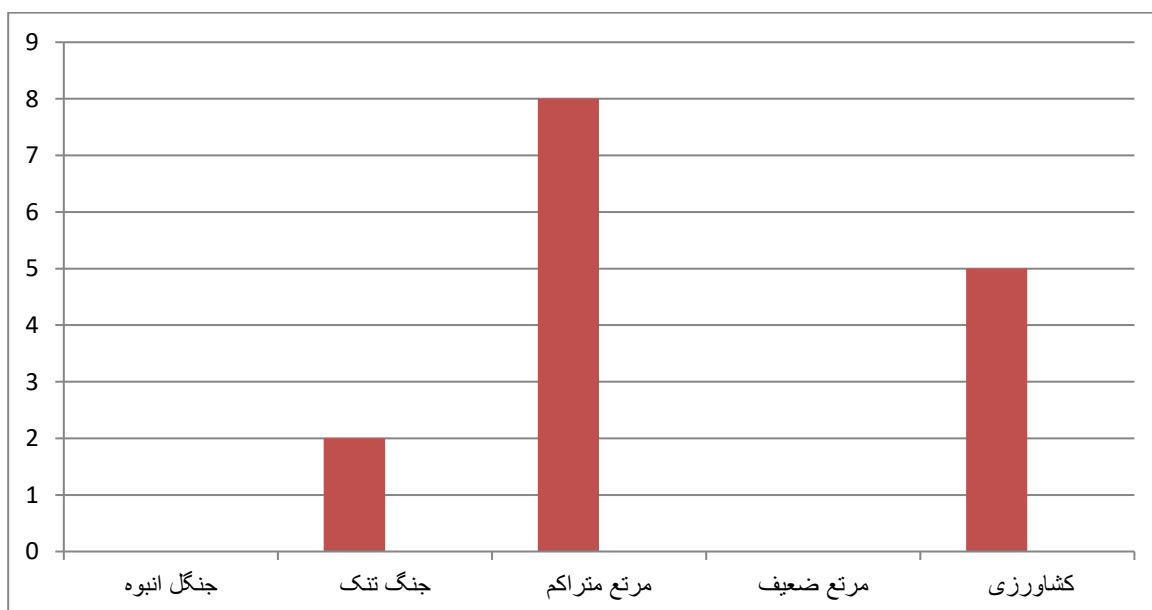
جدول ۱- جدول محوطه‌های مورد مطالعه و دوره‌های سکونتی

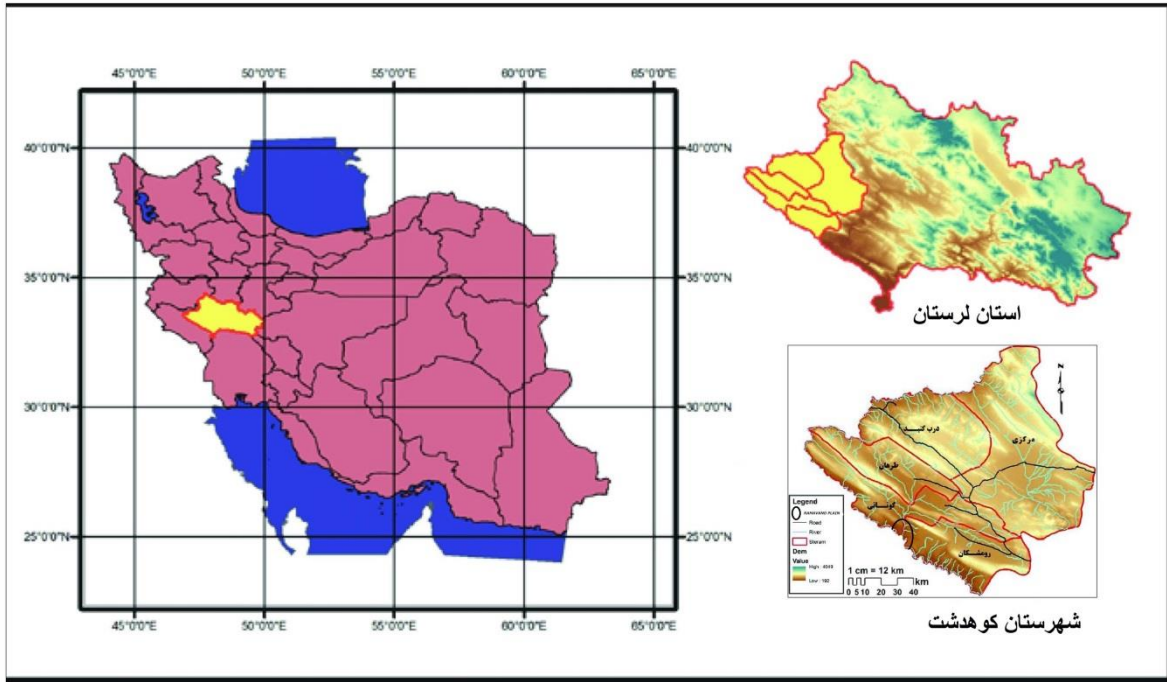
شماره	محوطه	دوره‌ها
۱	باخ زال جنوبی	مس و سنگ و مفرغ قدیم
۲	چیا پهن	مفرغ قدیم - اشکانی - ساسانی
۳	توبره ریز	مفرغ قدیم - آهن - هخامنشی - اشکانی
۴	گورستان دالاب	مفرغ میانی و جدید - آهن
۵	گل زرد عبدولی	مفرغ میانی و جدید - ساسانی
۶	حس بکی	مفرغ میانی و جدید
۷	سرخ دم لری	مفرغ میانی و جدید - آهن
۸	قور بچونه غربی	مفرغ جدید - اشکانی
۹	کنی جونی جنوبی	مفرغ جدید
۱۰	چم چغا	مفرغ جدید - اشکانی
۱۱	دره چپی	مفرغ جدید
۱۲	محوطه قبرستان	مفرغ جدید
۱۳	تپه قلاته	مفرغ جدید - اشکانی
۱۴	جو دیمه شمالی	مفرغ جدید - آهن - اشکانی - ساسانی
۱۵	تپه وربورک	مفرغ جدید

نمودار ۱- نمودار فاصله محوطه‌ها از منابع آب

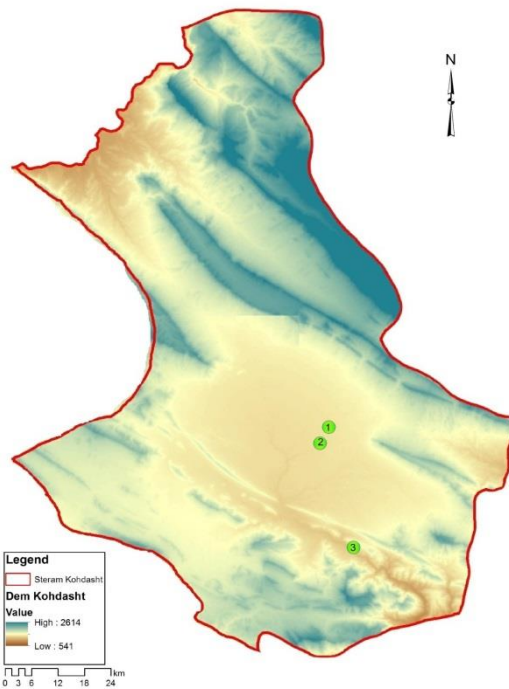


نمودار ۲- نمودار محل قرارگیری محوطه‌ها به نسبت نوع پوشش گیاهی

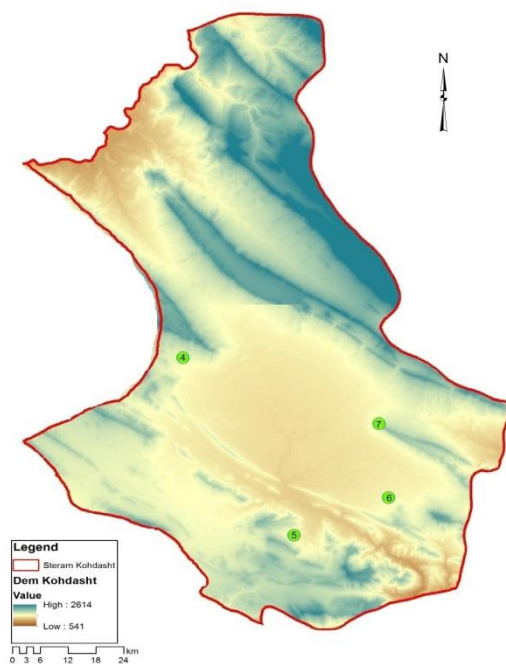




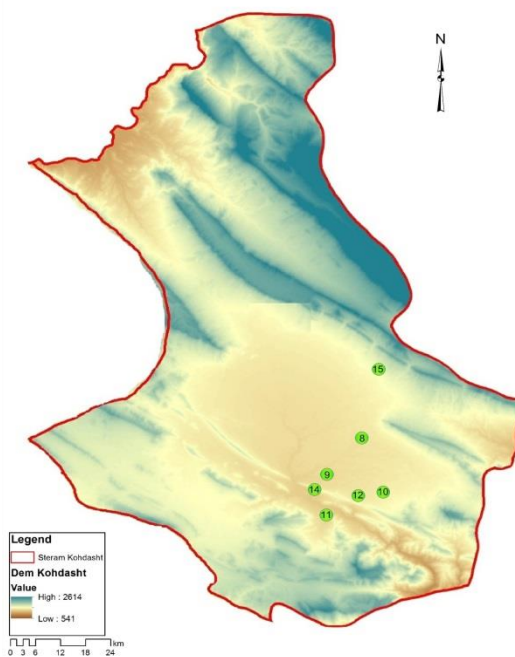
نقشه ۱- موقعیت دشت کوهدشت در لرستان و کشور



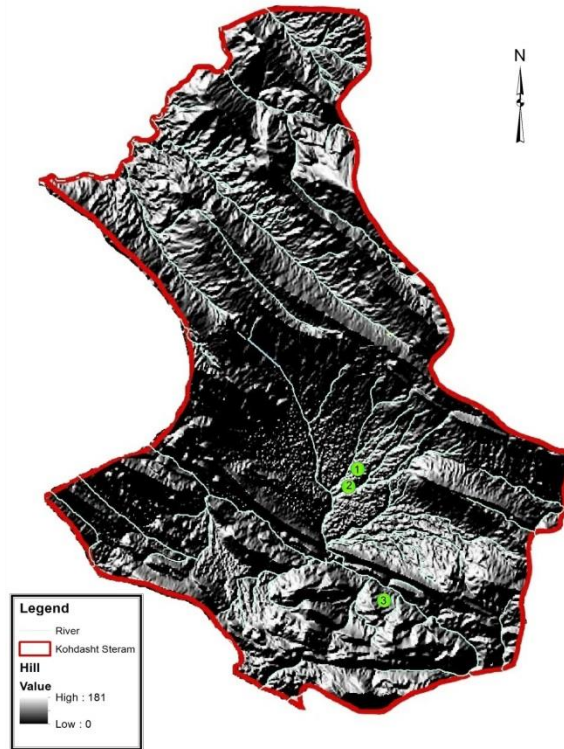
نقشه ۲ - نقشه پراکنش محوطه های عصر مفرغ قدیم مورد پژوهش نسبت به کد ارتفاعی از سطح دریا



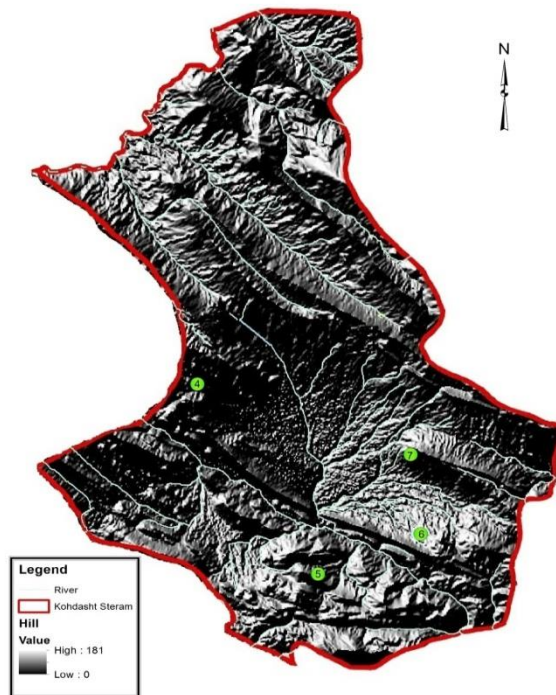
نقشه ۳ - نقشه پراکنش محوطه های عصر مفرغ میانی مورد پژوهش نسبت به کد ارتفاعی از سطح دریا



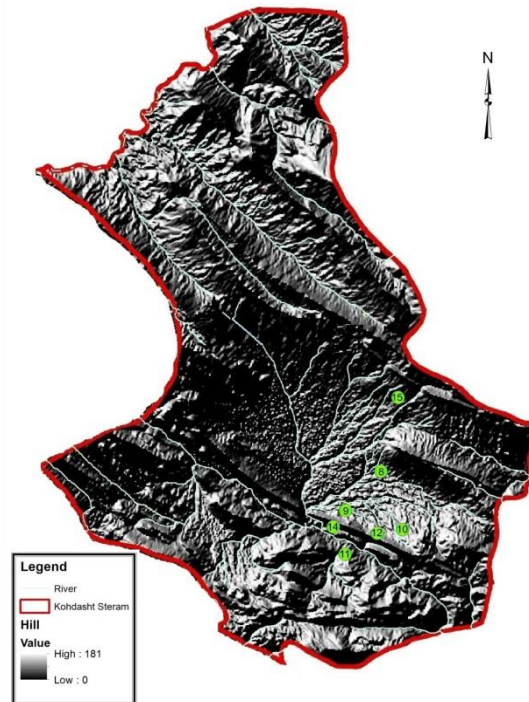
نقشه ۴ - نقشه پراکنش محوطه های عصر مفرغ جدید مورد پژوهش نسبت به کد ارتفاعی از سطح دریا



نقشه ۵ - پراکندگی محوطه‌های عصر مفرغ قدیم دشت کوه‌دشت نسبت به منابع آب و پستی بلندی‌ها



نقشه ۶ - پراکندگی محوطه‌های عصر مفرغ میانی دشت کوه‌دشت نسبت به منابع آب و پستی بلندی‌ها



نقشه ۷ - پراکندگی محوطه های عصر مفرغ جدید دشت کوهدشت نسبت به منابع آب و پستی بلندی ها